



● به‌رغم هجومی که در ۲۴ ساعت گذشته علیه دکتر ظریف به دلیل مصاحبه‌اش با اشیپگل در جریان است، آنچه وی در این مصاحبه گفته، هم از منظر سیاست‌های نظام و هم از دیدگاه دیپلماسی حرفه‌ای، روابط‌عمومی و روابط بین‌الملل کاملاً قابل دفاع است.

پاسخ ایشان را از این منظر باید دید و آن را با توجه به سؤال خبرنگار اشیپگل مدنظر قرار داد. خبرنگار می‌پرسد که «آیا شما در پی قتل [شهید] سلیمانی، امکان مذاکره با آمریکا را منتفی می‌دانید؟» این سؤال قائم به یک زمان، یک دولت بخصوص و یک شخص بخصوص در آمریکا نیست. پاسخ یک وزیر خارجه که باید در چارچوب حقوق بین‌الملل سخن بگوید و در چند ثانیه پاسخ‌ی درخور، سنجیده و با توجه به همه ابعاد داخلی، خارجی، سیاسی و حقوقی در ذهن خود بی‌پرو، چه می‌تواند باشد؟ اگر در زمان جنگ و به‌رغم جنایات مدام ارتش صدام علیه نظامیان و غیرنظامیان ما از یک دیپلمات ایرانی سؤال می‌شد که آیا «امکان مذاکره با عراق منتفی است»، پاسخ سنجیده چه می‌توانست باشد؟ یا اگر سؤال مشابهی از یک دیپلمات ایرانی بعد از جنایت آل‌سعود در حق حجاج مظلوم ایرانی در سال ۱۳۶۶ می‌شد، او چه می‌بایست می‌گفت؟ آیا در آن شرایط باید قطعانه‌ها را بگشاید امکان مذاکره با عراق و عربستان را به صورت ازلی ابدی منتفی اعلام می‌کردیم؟ خیر. نباید چنین می‌کردیم و چنین نکردیم و دیدیم روند حوادث در سال‌های بعد چه سیری را داشت. ظرافتی که در این سؤال و جواب مستتر است، اگر از چشم افرادی که واژه‌شناس نیستند و تنها منتظر فرصت برای هجوم هستند، مخفی مانده است، قطعاً از چشم مراکز و محافل رسمی و دیپلماتیک ملی و بین‌المللی مخفی نیست. آنها متوجه‌اند سخن از مذاکره با ترامپ و دولت ترامپ نبوده و متوجه هستند شرط کلی تغییر رفتار و لغو تحریم‌ها عملاً هر گونه مذاکره تحت چنین شرایطی را منتفی می‌کند. اما آیا یک وزیر خارجه که تمام موضوعیت حرفه و کارکرد او گفت‌وگوست و تحقیق‌ها هر کاری که متضمن گفت‌وگو نباشد از حوزه کار او خارج است، می‌تواند به‌طور مؤکد و فراگیر امکان هر گونه گفت‌وگویی را قطع نظر از هر گونه شرایطی منتفی اعلام کند. آیا در چنین صورتی او فرصتی گران‌بها را به دشمنان کشور خود عرضه نمی‌کند.

اهمیت برجام در درجه اول به دلیل ابعاد سیاسی- امنیتی آن بود نه ابعاد اقتصادی. هدف آمریکا قبل از برجام قراردادن ایران در انزوای بین‌المللی و امنیتی‌سازی کامل ایران بود. برجام این هدف آمریکا را خنثی کرد و دیدیم مخالفت تقریباً همه کشورها (به‌استثای دو، سه کشور در منطقه) با خروج آمریکا از برجام، دولت ترامپ را در نوعی انزوای سیاسی قرار داد. همه تلاش دولت ترامپ یک نزدیک بود و دو سال گذشته این بوده که روند را معکوس کند و تا آنجا که به برجام و ایران مربوط است، خود را از انزوای سیاسی نجات داده و برعکس اسباب انزوای ایران را فراهم کند و در این مهم امید واشنگتن به اروپای مذبذب و نیز سودجویی و تزلزل اغلب کشورهای منطقه بوده است. در چنین شرایطی یک دیپلمات حقوق‌دان در کسوت وزیر خارجه چه باید کند؟ آیا او می‌تواند با «اعلام منتفی‌شدن امکان مذاکره با آمریکا» به لحاظ تئوری عملاً ذهن‌ها را متوجه تنها راه باقی‌مانده یعنی جنگ نکند؟ آیا مقامات ما در ۴۰ سال گذشته هرگز چنین گسترده و بی‌حدومرز سخن گفته‌اند که برخی از وزیر خارجه انتظار دارند چنین سخن بگویند؟ آیا آنها هرگز چنین ذهنیتی داشته‌اند؟ اگر داشته‌اند، مذاکراتی را که تاکنون بارها با آمریکا در منطقه و اروپا داشته‌ایم، چگونه باید تفسیر کرد؟ قبول کنیم مادامی که ظریف وزیر خارجه است، اعتبار او اعتبار نظام است. با امواج تهاجمی بی‌پایه اعتبار نظام را زیر سؤال نبریم. او مادامی که وزیر خارجه است، باید بتواند منشا اثر باشد، این امکان را از او و از کشور دریغ نکنیم. هجوم و توهین به او موجب وهن کشور و وهن وزارت خارجه به عنوان یکی از ارکان حاکمیتی نظام است. اجازه دهیم وزیر خارجه و وزارت خارجه از احترام لازم برای پیشبرد وظیفه قانونی‌اش یعنی هدایت سیاست خارجی نظام برخوردار باشد. ظریف یک بار گفته بود، «نگرانی ما بیشتر بابت خنجرهایی است که از پشت می‌خوریم. در برابر فشارهای داخلی واقعا به ستوه آمده‌ایم».

نهایتاً اینکه مسئله فقط مسئله ظریف نیست. امروز تقریباً همه مدیران اجرایی کشور سرنوشت حرفه‌ای خود را به‌طور مستقیم با آنچه بر ظریف می‌گذرد، پیوند می‌زنند. اگر بر ظریف که همیشه مورد اعتماد کامل همه ارکان جمهوری اسلامی ایران بوده و رهبری بدفعات ایشان را مورد تأیید و تمجید قرار داده‌اند، این روند، دیگران چه انتظاری می‌توانند داشته باشند و آیا دامنه اثرات رفتار او با بسیار فراتر از خود او نخواهد رفت؟

روایات و روایت‌ها در باره دیپلمات ایرانی

روح‌اله نخعی؛ وزیر خارجه ایران امسال هم مانند دو سال گذشته به داووس نرفت. برخلاف گزارش اشتباهی که حساب رسمی یوتیوب کاخ سفید از دیدار رئیس‌جمهور آمریکا با برهم صالح، «رئیس‌جمهور ایران» منتشر کرد، هیچ نماینده‌ای از دولت ایران هم در این مجمع حاضر نبود. اما مشخص بود با یا بدون حضور محمدجواد ظریف، ایران از سوزه‌های گفت‌وگوی حاضران مجمع جهانی اقتصاد خواهد بود. اجلاس داووس با حضور چهره‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف جهان، امسال کمی بعد از چند بمب خیری سیاسی، نظامی و دیپلماتیک ایران که یکی پس از دیگری از راه رسیدند، برگزار شد تا خودبه‌خود فرصتی برای تبادل نظر و گفت‌وگو، اگر نه با ایران، بلکه درباره ایران باشد. از زمان نشست مجمع عمومی سازمان ملل در اواخر تابستان و اوایل پاییز، به عنوان آخرین تجمع گسترده نمایندگان کشورهای جهان، ایران حوادث و تصمیماتی را پشت سر گذاشته که سخت بتوان باور کرد تنها در مدت چهار ماه رخ داده‌اند. صحنه‌های سیاست داخلی و خارجی ایران در این مدت چنان دگرگون شده‌اند که بسیاری از تحلیل‌ها و روایات از آنها به کلی بازنویسی شدند. از مهرماه، زمانی که موضوع حمله انصارالله یمن به تأسیسات نفتی آرامکوی عربستان و اتهام‌زنی به ایران دراین‌باره سوزه داغ بود، تا یهمن‌ماهی که داووس را در خود داشت، افزایش قیمت بنزین و اعتراضات گسترده پس از آن، ترور سهپد سلیمانی توسط آمریکا در خاک بغداد، تصویب قطع‌نامه اخراج ایالات متحده از عراق، حمله موشکی ایران به پایگاه نظامی آمریکا در عراق، سقوط یک هواپیمای اوکراینی در تهران و ادعان ایران به هدف‌گرفتن این هواپیما توسط پادفند سپاهی که آن را موشک کروز انگاشته بود، وادار شدن آمریکا به بازنگری در سیاست‌های خود و چند بار متغییرهای سیاسی ایران را تکان داد. اوایل بهمن امسال، زمانی که نشست داووس در حال برگزاری بود، هیچ چیز درباره ایران مثل قبل نبود.

موضع‌گیری‌های چهره‌های سیاسی حضار این نشست درباره ایران نیز کم‌وبیش همانند مواضع ساسیون در جاهای دیگر غیر از داووس، جول محور یک موضوع انجام می‌شد: تنش؛ چه تنش برجامی با اروپا، چه تنش منطقه‌ای با عربستان و چه تنش سیاسی، اقتصادی و نظامی با ایالات متحده آمریکا. موضع‌گیری‌ها البته برخی در جهت افزایش و برخی در جهت کاهش تنش بود. حضور ظریف در این نشست در آخرین لحظات حضور وزیر خارجه ایران خارج شد اما لحظات ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده به عنوان طرف یکی از درگیری‌های اخیر با ایران و عادل الجبیر، وزیر مشاور امور خارجه عربستان به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران در این اجلاس مواضع خود را علیه ایران مطرح کردند. از طرف دیگر امان‌عمران خان نخست‌وزیر پاکستان و برهم صالح رئیس‌جمهور عراق از جمله کسانی بودند که به دنبال فرونشاندن شعله‌های تقابل در منطقه بودند، پیش از اینکه تبدیل به آتشی تمام‌عیار شوند.

«فرست‌ازدست‌رفته برای گفت‌وگو»

درباره دلیل واقعی عدم حضور ظریف در نشست داووس دلایل رسمی‌توان با قطعیت نظر نداد. وزارت خارجه ایران، اندکی مانده به برگزاری نشست اعلام کرد وزیر خارجه به دلیل تغییر برنامه در دقایق پایانی نتوانسته در این نشست حاضر شود. سیدعباس موسوی صبح دوشنبه ۳۰ دی در نشست خبری با اصحاب رسانه گفت: «قرار بود آقای ظریف همین روزها برای شرکت در نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس به سوئیس برود که با وجود دعوت رسمی و حضوری اولیه از ایشان، برنامه تنظیمی و برنامه‌ای که توافق شده بود را به هم زدند و ترتیبات دیگری را در نظر گرفتند که این سفر متأسفانه انجام نمی‌شود». موسوی پیش از این درباره علت لغو این سفر توضیح نداده است. از آنچه موسوی می‌گوید چنین برمی‌آید که تغییر ناگهانی برنامه شاید ظریف را مجبور به لغو سفر کرده است. اما احتمالات دیگری هم در میان هستند؛ تغییر عمدی برنامه برای جلوگیری از حضور ظریف یک گزینه است و بی‌میلی ظریف به حضور که در این موقعیت منجر به لغو سفر شد، احتمال دیگر این ماجراست. رویترز در زمان اعلام این خبر اشاره کرده بود که نام ظریف از هفته گذشته در فهرست شرکت‌کنندگان و حضار این نشست نبوده است.

اما روایتی که سخنگوی وزارت خارجه به زبان انگلیسی در توئیتر نوشت، شاید توصیف دقیق‌تری از آنچه در حال وقوع بود، ارائه می‌داد. او نوشت: «با توجه به دعوت رسمی و شخصی انجام‌شده از وزیر خارجه ظریف، او کاملاً آمادگی داشت تا امسال در نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس شرکت کند. متأسفانه، تغییر یک‌طرفه از جانب مجمع جهانی اقتصاد در برنامه‌ریزی‌ای که دو طرف بر سر آن توافق کرده بودند (شاید برای رسیدن به همین هدف) مانع شد. یک فرصت برای گفت‌وگو از دست رفت».

روزنامه اعتماد ماجرای این «تغییر یک‌طرفه» را این‌طور گزارش می‌کند که قرار نبوده ظریف در سالن اصلی یک جلسه اختصاصی داشته باشد اما میزبان داووس در فاصله کمی به برگزاری مجمع اعلام می‌کند که نمی‌تواند چنین فرصتی را در اختیار

دیپلماسی

در عین لغوسفر ظریف، ایران مخاطب و موضوع بحث حضار مجمع جهانی اقتصاد بود

ایران، غایبِ حاضر داووس



عکس: Getty Images

ایران قرار دهد. اعتماد می‌نویسد به بهانه شرایط ناشی از سقوط هواپیمای مسافربری در ایران به این کشور اعلام می‌شود که داووس نمی‌تواند برنامه‌ای با مخاطب عمومی در اختیار وزیر خارجه ایران قرار دهد و بنابراین با حذف جلسه اختصاصی وزیر خارجه ایران تأکید می‌شود که وزیر خارجه می‌تواند در جلسات هسته‌ای که پیش از این قرار بوده در آنها شرکت کند، حضور یابد. در واکنش به این تغییر است که ظریف از حضور انصراف می‌دهد، احتمالاً با این نتیجه‌گیری که سفر به داووس بدون امکان دسترسی به مخاطب عام، معنا و کاربردی برای او و ایران ندارد.

تحلیلی که در آخرین جمله تویت موسوی ارائه شده، تحلیل درستی به نظر می‌رسد. محمدجواد ظریف در توفان فرازفرودهای اخبار ماه‌های اخیر، تماس‌ها و دیدارهای متعددی با همتایان و مقامات کشورهای منطقه و جهان داشته است. اما حضور در چنین تجمعی، قطعاً فرصت مهمی برای گفت‌وگو و تعامل با بازیگران مهم صحنه به‌هم‌ریخته‌ای می‌شد که لزوماً به سود ایران پیش نمی‌رود.

میکروفن‌هایی که دور نگه داشته می‌شوند

طبق توضیحی که وزارت خارجه و روزنامه اعتماد به نقل از یک منبع آگاه منتشر کرده‌اند، آنچه ظریف از آن انصراف داده، نه سخنرانی در داووس که حضور در جلسات بسته‌ای در حاشیه آن بوده است و به‌این‌ترتیب، مجمع جهانی اقتصاد عملاً حضور ظریف را لغو کرده است. از یک نگاه می‌توان این لغو حضور را در ادامه روندی دید که از مدتی قبل در ایالات متحده آغاز شد؛ با شایعاتی مربوط به عدم صدور ویزا برای ظریف برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل

متحد در نیویورک. این شایعات در آخرین نشست مجمع که در شهریور و مهر امسال برگزار شد، به اینجا رسیدند که ظریف تنها در فاصله محل اقامت خود و محل برگزاری جلسات سازمان ملل اجازه تردد داشته باشد. این به همراه محدودیت‌های مشابه برای دیگر اعضای هیئت ایرانی بود و البته مواضعی بر سر راه صدور ویزا برای تعدادی از آنها. این داستان با بستری‌شدن مجید تخت‌روانچی، نماینده ایران در سازمان ملل، همراه شد تا وجود مانع بر سر راه عیادت ظریف از همکارش هم خبرساز شود.

بعضی گمانه‌زنی‌ها در طرف ایرانی، علت اعمال این محدودیت‌ها را جلوگیری از همین گفت‌وگوهای ظریف قلمداد می‌کردند و در نهایت انتقاد تند رئیس‌جمهور آمریکا از رسانه‌های آمریکایی بابت این مصاحبه‌ها که با موضع‌گیری‌هایی دراین‌باره از سوی مایک پمپئو، وزیر خارجه ترامپ نیز همراه شد، این گمانه را تأیید کرد؛ ظریف اما در همین مدت و در همین محدوده نیز مثل دوره‌های قبل سفرش به نیویورک، مصاحبه‌های متعددی با رسانه‌های غیر ایرانی داشت. نکته قابل‌توجه درباره ظریف که این مصاحبه‌ها و حضور‌ها را مهم می‌کند، چیزی است که از آن به‌عنوان سخنوری او یاد می‌شود. موافقان و مخالفان ظریف-کوهنویش توافق دارند که او بر مرکب کلام به خوبی سوار است؛ از نگاه حامیانش در تبیین درست و دقیق دیدگاه‌های خود و مناقع ایران و از نگاه مخالفانش در آمریکا، در مدیریت ذهن مخاطب و «فریب» او. اتفاق نظر اما بر این است که ظریف از فرصت‌های گفت‌وگو در مقابل مخاطب عمومی، استفاده خوبی می‌برد، چنان‌که به اذعان کسانی که طرف مذاکراتش بوده‌اند، در جلسات مذاکره نیز تسلط خود را نشان می‌دهد. به طور مشخص، تسلط او بر زبان انگلیسی و فرهنگ آمریکایی که حاصل مدت اقامتش در این کشور است، در زمان‌هایی که از اصطلاحات یا ارجاعاتی فرهنگی استفاده می‌کند که مختص مخاطبان صحبتش است رخ می‌نماید.

محدودیت در تردد ظریف و حمله به رسانه‌های آمریکایی بابت گفت‌وگو با او البته مانع از استفاده وزیر خارجه ایران از فرصت حضور در نیویورک نشد و شاید فضاسازی و حاشیه‌سازی دراین‌باره توسط دولت آمریکا، رسانه‌های این کشور را نسبت به گفت‌وگو با او به‌عنوان یک سوزه خیری برسر‌صدا، محدودیت در تردد ظریف و حمله به رسانه‌های آمریکایی بابت گفت‌وگو با او البته مانع از استفاده وزیر خارجه ایران از فرصت حضور در نیویورک نشد و شاید فضاسازی و حاشیه‌سازی دراین‌باره توسط دولت آمریکا، رسانه‌های این کشور را نسبت به گفت‌وگو با او به‌عنوان یک سوزه خیری برسر‌صدا،

دیپلماسی

ظریف را به ستوه نیاوریم

قدرت منطقه‌ای را در آینده نه‌چندان دور ممکن می‌کند. اولین نشانه واقعی چنین گفت‌وگو و حل اختلافی البته احتمالاً در یمن دیده خواهد شد؛ جایی که فوری‌ترین نیاز به حل اختلاف نیز وجود دارد، برای توقف جنگی که زندگی یمنی‌ها را به کابوس تبدیل کرده است.

وقتی ظریف به داووس می‌رفت

ظریف در دو سال گذشته نیز به داووس نرفته بود یا به عبارت دیگر می‌توان گفت در دولت دوم حسن روحانی، وزیر خارجه او در مجمع جهانی اقتصاد حاضر نشده است، البته هر سه‌بار، تا آخرین روزها بنا بوده در این مجمع حضور داشته باشد. پیش از آن اما در سال ۹۵ و در نشست داووس ۲۰۱۷، نشستتی که در اولین روزهای تشکیل دولت دونالد ترامپ برگزار می‌شد، ظریف به عنوان یکی از چهره‌های اصلی توافقی که حالا دشمنش در کاخ سفید به کرسی نشسته بود، راهی سوئیس شد. در این حضور او درباره دولت جدید آمریکا قضاوت زودهنگام را رد کرد و گفت اگر دولت جدید بخواهد مذاکرات را از ابتدا آغاز کند، تعجب خواهد کرد. از اجرائی نشدن کامل برجام در دولت اوباما گفت و به مذاکرات آستانه درباره سوریه پرداخت. او با اشاره به انتخابات برگزارشده آمریکا و انتخابات پیش‌روی ایران در آن زمان، یعنی انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶، وعده کنایی «ثبات» در مواضع ایران در سیاست خارجی را داد. ظریف همچنین اشاره کرد دلیلی برای خصومت بین تهران و ریاض وجود ندارد و دو کشور می‌توانند همکاری کنند. او در دیدارهای حاشیه‌ای جلسه با فدریکا موگرینی، نماینده ارشد وقت روابط خارجی و سیاست‌های امنیتی اتحادیه اروپا که از طرف این اتحادیه پای برجام را امضا کرده بود هم گفت‌وگو کرد.

یک سال پیش‌تر از آن، در اجلاس ۲۰۱۶، او به همراه محمد نهاوندیان، رئیس دفتر وقت رئیس‌جمهور، راهی سوئیس شد. در زمستان ۹۴ در آخرین سال دولت باراک اوباما به داووس رفت، زمانی که هنوز مزه یک توافقی بزرگ بین‌المللی بین ایران و ششست طرف دیگر، یعنی ۵+۱ به همراه نماینده اتحادیه اروپا، زیر زبان دنیای دیپلماسی بود و شوخی ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ هنوز جدی نشده بود. ظریف در آن سفر، از برنامه موشکی ایران دفاع کرد و تلاش عربستان برای کمرنگ‌کردن نقش ایران با همکاری با متحدان غربی ریاض را «توهم» خواند. توهم عربستانی که از زمان توافق، دچار ترس شده است. او با نقد افراطی‌گری، وهابیت را عامل گسترش خشونت دانست. جان کری، وزیر خارجه گفت‌وگوهایی با دیگر امضاکننده برجام نیز در آن سفر طرف گفت‌وگوی همتای ایرانی‌اش شد. زمستان ۹۳، ظریف در میانه گفت‌وگوهای برجام راهی سوئیس شده بود. بعد از تصویب «برنامه اقدام مشترک» و پیش از تبدیل آن به «برنامه جامع اقدام مشترک». وزیر خارجه ایران در داووس ۲۰۱۵ درباره ایران داشت، گفت: «سود ایران در تلاش برای جدی‌آزسوی آمریکا را با ذکر تصویب تحریم‌های جدید آزسوی آمریکا را با ذکر احتمال واکنش پارلمان ایران با تصویب طرح تازه‌ای برای غنی‌سازی، به نقد کشید. آن سال هم ظریف نقد افراطی‌گری را در حرف‌های خود گنجانده و البته اقدامات کشورهای غربی را از عوامل تنش‌های خاورمیانه به این پدیده خوید. او حضور ایران پای میز مذاکره به دلیل تحویرات را رد و تأکید کرد نشستن ایران پای میز مذاکره به این دلیل است: «ما می‌خواهیم روابطمان را با جهان تغییر دهیم». دیدار با جان کری به عنوان وزیر خارجه آمریکا هم از برنامه‌های ۲۰۱۵ ظریف بود.

ظریف در اولین سال وزارت خار‌ج‌اش نیز در این مجمع شرکت کرد. اما این سفر با همراهی شخص رئیس‌جمهور جدید ایران انجام شد. حسن روحانی که تغییر روند گفت‌وگوهای ایران با دنیا، بهبود سیاست خارجی و حل مشکلات هسته‌ای را از وعده‌های اصلی انتخابش در سال ۹۲ این قرار داده بود، به عنوان چهره آشنایی که پیش از چرخش فرمان سیاست خارجی ایران در دوران محمود احمدی‌نژاد، خود پای میز مذاکرات با غربی‌ها نشسته بود، راهی این مجمع شد تا به شکلی نمادین، هم بازگشت خود به صحنه گفت‌وگوهای جهانی و هم بازگشت ایران به عنوان بازیگری فعال را به رخ بگذرد. ظریف در سال‌های حضور در داووس، مانند حضورش در دیگر نشست‌های بین‌المللی، از مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرفته تا نشست امنیتی مونبع به تبیین مواضع ایران در تمایل به حل مشکلات منطقه، گفت‌وگو با دنیا، استفاده از دیپلماسی به عنوان ابزار اصلی و درعین‌حال تأکید بر حفاظت از منافع خود پرداخته بود. این تمایلات، البته در چهار سال اول دولت روحانی و تا پیش از ورود دونالد ترامپ جمهوری‌خواه به کاخ سفید، در حال طی‌کردن مسیر خود بودند. دست‌انداز سنگینی که ترامپ از ابتدای دولت خود، در مسیر گفت‌وگوی ایران با دنیا انداخت، حالا رسماً به تلاش برای بستن جاده منجر شده است. فضای گفت‌وگوی بین‌المللی در مدیریت ترامپی قرار گرفته که با استفاده و بلکه با هزینه‌کرد همه ابزارهای در دسترس ایالات متحده، نتایج گفت‌وگوهای پیش از خودشان در دورریخته، جاده تازه‌ساز گفت‌وگوی تهران و واشنگتن را تخریب کرده و مسیر تعاملات ایران با دیگران را هم تا حد امکان منحرف می‌کند.



● **شرق**: شاید کم‌کم می‌شود عنوان «جلسه هفتگی» را برای دیدارهای وزرای خارجه ایران و عمان به کار برد. یوسف بن‌علوی، شب گذشته در مسیر بازگشت از مجمع جهانی اقتصاد در داووس، توقفی در تهران داشت تا یک‌بار دیگر با محمدجواد ظریف گفت‌وگو و رایزنی کند؛ چیزی شبیه توقف ظریف در مسقط در مسیر بازگشت از سفر اخیرش به هند. ایلنا گزارش می‌دهد در این دیدار دو وزیر درباره موضوعات دوجانبه و منطقه‌ای، به‌ویژه همکاری‌های دو کشور در تنگه هرمز تبادل‌نظر کردند و بر اراده دولت‌های متبوع خود در جهت تداوم همکاری‌ها و رایزنی‌ها با هدف تضمین ایمنی دریانوردی و امنیت انرژی برای همگان تأکید کردند. آنها از همه طرف‌ها خواستند نقش مثبتی را در این روند ایفا کنند. فرکانس دیدارهای دو وزیر خارجه از ابتدای سال جاری تا هفته‌های اخیر روندی صعودی داشته است. دلیل تعدد دیدارهای وزیر خارجه ایران با بن‌علوی که همواره به‌عنوان میاجی مطرح بوده است، در گزارش‌های رسمی مشخص نیست، اما تکرار و تداوم این دیدارها، تنها می‌تواند حاکی از پیگیری روندی امیدوارکننده باشد.

تک و پانت تویتتری ظریف و ترامپ این بار نه، مرسی

● **شرق**: گویی زمان مناسب مذاکره از دست رفت. این را تک و پانت تویتتری ظریف و ترامپ خوب نشان می‌دهد. دونالد ترامپ که در همین پیش‌تر علاقه‌مند مذاکره با ایران بود، روز گذشته به صحبت‌های ظریف که گفته «احتمال مذاکره با آمریکا را غیرمحتمل نمی‌داند» جواب داده «نه، مرسی».

ترامپ در تویتش نوشته: «وزیر امور خارجه ایران می‌گوید ایران خواستار مذاکره با ایالات متحده است، اما می‌خواهد که تحریم‌ها برداشته شود. نه، مرسی!». روز شنبه مصاحبه محمدجواد ظریف با اشیپگل منتشر شده بود که او گفته بود: «ایران حتی پس از ترور سردار سلیمانی، مذاکره با آمریکا را غیرمحتمل نمی‌داند؛ به بشرد است. آمریکا تغییر رویه دهد و تحریم‌ها را بردارد».

ظریف در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه «آیا مذاکره با آمریکا را پس از ترور سردار سلیمانی غیرمحتمل می‌دانید؟»، گفت: خیر. من هرگز این احتمال را منتفی نمی‌دانم که افراد رویکرد خود را تغییر دهند و متوجه واقعیات شوند. سبای ما فکر نمی‌کند که چه کسی در کاخ سفید نشسته است. آنچه اهمیت دارد، چگونگی رفتار آنهاست. دولت ترامپ می‌تواند گذشته خود را اصلاح کند، تحریم‌ها را بردارد و پای میز مذاکره برگردد. ما هنوز پای میز مذاکره هستیم. وی تأکید کرد: «ایالات متحده، آسیب بزرگی به مردم ایران وارد کرده است. روزی خواهد رسید که آنها باید این آسیب را جبران کنند. ما مشکیبایی بسیاری داریم».

اما این‌بار دونالد ترامپ حتی از این احتمال استقبال نکرده و گفته: «نه، مرسی!». ماجرا همین‌جا تمام نشده. جواد ظریف باز به ترامپ پاسخ داده و نوشته که «بیشتر است به دونالد ترامپ توصیه شود که نظرات و تصمیمات سیاست خارجی خود را بر اساس واقعیت‌ها پایه‌گذاری کند، نه بر اساس عناوین خبرهای فاکس‌نیوز یا مترجمان فارسی‌اش. برای آگاهی بهتر، او می‌تواند مصاحبه کامل من را (به زبان انگلیسی) بخواند».

ظریف البته تصویر بخش‌هایی از مصاحبه خود با اشیپگل و لینک این مصاحبه به زبان انگلیسی را هم برای دونالد ترامپ در توئیتر گذاشته است. از زمان خروج آمریکا از برجام، واشنگتن اعلام کرده که علاقه‌مند به مذاکره با ایران و دستیابی به یک توافق جدید است؛ توافقی که توافق اوباما نباشد. حتی ماه گذشته جانسون، نخست‌وزیر انگلیس، از توافق ترامپ با ایران رونمایی کرد؛ توافقی که به دنبال پایان برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی است. با این اوصاف تابستان گذشته بارها دونالد ترامپ به دنبال مذاکره با مقامات ایرانی نبود و حتی در حاشیه نشست بیارنترکه امانول مکرون ترتیب داد، ابراز تمایل کرده بود که با ظریف ملاقات کند. اما حالا و بعد از ترور سردار سلیمانی توسط آمریکا، این‌بار ترامپ است که دیگر از تمایل برای مذاکره سخن نمی‌گوید. به نظر می‌رسد ترامپ به این نتیجه رسیده که سیاست فشار حداکثری علیه ایران موفقیت‌آمیز است و این روش را ادامه می‌دهد. همان‌طور که پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، روز گذشته از این سیاست دفاع کرده است. درحالی‌که بسیاری معتقد بودند حوالی انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا مناسب‌ترین زمان برای مذاکره ترامپ با ایران است، اکنون ورق به‌گونه دیگری برگشته است. هنوز تهران- واشنگتن مثل دو خط موازی در کنار هم قرار دارند و مشخص نیست چه زمانی روی چه میز مذاکره و حول‌وحوش چه اتفاقی روبه‌روی هم خواهند نشست تا این گره‌های درهم‌تنبیده باز شوند.